در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۸۷
حجیّت خبر واحد

جلسه 66

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دلیل سوم برحجیّت خبر واحد: اجماع

دلیل سومی‌که برای حجیت خبر واحد اقامه شده، اجماع است. برای اجماع تقریرها و بیان‌های مختلفی در کلمات اعلام وجود دارد. مجموعاً پنج تقریر در باب اجماع، در بحث حجیت خبر واحد ذکر شده است.

تقریر اوّل اجماع

تقریر اول، اجماع منقول از شیخ طوسی و برخی دیگر از بزرگان اصولیین بر حجّیت خبر واحد است. اشکال این اجماع منقول آن است که خود همین اجماع منقول از مصادیق خبر واحد است؛ یعنی شیخ طوسی اتفاق و اجماع فقها را به ما خبر می‌دهد؛ و این خبر، عنوان خبر واحد را دارد؛ و ما می‌خواهیم بحث کنیم آیا خبر واحد حجیت دارد یا حجیت ندارد؛ ثانیاً، در همان بحث‌های گذشته اشاره کردیم بین حجیت اجماع منقول و حجیت خبر واحد ملازمه نیست؛ یعنی بر فرض اگر گفتیم خبر و احد حجیت دارد، به این معنا نیست که اجماع منقول هم حجیت پیدا کند. بین این دو، از نظر حجیت امکان تفکیک هست. البته اشکال سومی هم می‌توان ذکر کرد؛ و آن این که این اجماع منقول معارض دارد. همانطور که شیخ طوسی بر حجیت خبر واحد نقل اجماع کرده، برخی دیگر مثل مرحوم سید مرتضی بر خلاف آن نقل اجماع کرده‌اند.

تقریر دوّم اجماع

بیان دوم برای اجماع، اجماع قولی از جمیع علما، غیر از سید و تابعین ایشان است ـ اجماع محصّل ـ؛ یعنی وقتی به کلمات فقها مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم همه به حجیت خبر واحد قائل هستند. همه در کتاب‌های اصولی‌شان نوشته‌اند: **خبر الواحد حجة**. بله، نظر مرحوم سید مرتضی و اتباع ایشان مخالف این است؛ اما مخالفت اینها ضربه‌ای به حجیت اجماع روی مبنای متأخرین وارد نمی‌کند. چرا که نظر این همه علمای امامیه از صدر تا حالا، و این اجماع برای ما کشف از قول معصوم(ع) دارد. هزار عالم و هزار فقیه و اصولی گفتند **خبر الواحد حجّة**؛ حالا در مقابل این هزار نفر، ده نفر، بیست نفر هم مخالفت کنند، این مانع از حدس قول معصوم(ع) از قول آن هزار نفر نمی‌شود. پس، مخالفت اینها طبق مبنای متأخرین که حجیت اجماع را از باب حدس می‌دانند، ضرری وارد نمی‌کند. آیا این بیان اشکالی دارد؟ دو اشکال بر این بیان می‌شود ذکر کرد. **یک اشکال**، اشکال معروف مدرکی بودن این اجماع است؛ یعنی درست است علما از زمان ما تا زمان مرحوم شیخ طوسی 98 درصدشان گفته‌اند **خبر الواحد حجّة**، اما اینها در حجیت خبر واحد به آیات و روایات استدلال کردند؛ یا می‌گوییم اجماع، یقینی المدرک است، یا

می‌گوییم محتمل المدرک است.

تحقیقی در مورد اجماع مدرکی

همین‌جا این را هم عرض کنیم که ما در بعضی از بحث‌هایمان قبلاً گفتیم: مطلبی در زمان ما خیلی شایع است که می‌گویند اجماع مدرکی یا محتمل المدرک اعتبار ندارد؛ برای این که اصالت ندارد؛ و یا تعبیر می‌کنند این اجماع، اجماع تعبدی نیست؛ اجماع تعبدی آن است که اصیل باشد؛ و به قول این بزرگان، مدرک نداشته باشد یا محتمل المدرک نباشد. لذا، این اجماع، یک دلیل مستقلی نیست. ما در مورد این دلیل و این حرف عرض کردیم که باید روی این مطلب تأمّل کرد. وجه تأمل ما هم این است که می‌خواهیم بگوییم از مجموع، قول امام معصوم (ع) را حدس می‌زنیم؛ هرچند تک تک اینها آمدند به آیه استدلال کردند، اما وقتی توافق در فتوا پیدا کردند، این توافق در فتوا، برای ما کاشف از قول معصوم(ع) است. سؤال ما این است وقتی شما گفتید اجماع مدرکی است، آیا مدرکی بودن جلوی کاشفیت از قول معصوم(ع) را می‌گیرد؟ ادعای ما این است که نمی‌گیرد؛ برای اینکه یک وقتی است که می‌گوییم: می‌خواهیم فتوای این آقا را از جهت این که استناد به این مدرک دارد، بررسی کنیم؛ مدرکش را بررسی می‌کنیم، اگر غلط بود، فتوایش هم غلط است؛ اما می‌گوییم این هزار نفر ولو به استناد این آیه فتوا داده‌اند، اما انضمام فتاوای اینها به یکدیگر برای ما کشف از قول معصوم(ع) هم می‌کند. می‌گوییم فتوای همه یکی شده است، بنابراین، روی این بیان فرقی نمی‌کند که اجماع مدرک داشته باشد یا نداشته باشد. اصلاً اجماعات ما غالباً محتمل المدرک است؛ اگر این حرف را بخواهیم بپذیریم، لازمه‌اش این است که دیگر هیچ مورد اجماعی در فقه شیعه نداشته باشیم. حال، در مانحن فیه، از زمان شیخ طوسی تا کنون همه گفته‌اند **خبر الواحد حجّة**؛ هرچند اینها در استدلال به فتوایشان به آیات شریفه تمسک کرده‌اند، و هرچند ما آیات و استدلال به آنها را قبول نداشته باشیم، اما انضمام هزار فتوا به یکدیگر کشف از قول معصوم نمی‌کند؟

به عبارت دیگر، شما در بحث تواتر مگر نمی‌فرمایید هر کدام از این اخبار فی حد نفسه احتمال صدق و کذب دارد، اما وقتی صد نفر آمدند برای شما خبر دادند، شما یقین و قطع پیدا می‌کنید؛ در این‌جا هم همین‌طور است. سؤال ما این است که شما چرا در باب تواتر چنین مطلبی را قائل هستید، اما به اجماع که می‌رسید بر خلافش را قائل می‌شوید؟! شما کتب فقهای زمان را که ببینید، این فرمایش دیگر مثل یک مطلب مسلم و یک اصل مسلمی نزد این بزرگان است؛ و می‌گویند اگر اجماع، مدرکی یا محتمل المدرک بود، حجیت ندارد. و باید سراغ آن مدرک برویم، ببینیم آن مدرک چه اقتضایی دارد؟ پس، مناقشه ما این است که حتی در جایی که اجماع یقینی المدرک است، مگر شما به دنبال ملاک حجیت اجماع نیستید؟ می‌گوییم وقتی این صد نفر فتوا دادند، برای ما کاشفیت دارد. حالا من بحث را یک مقداری بازتر کنم. اگر صد فقیه هر کدام به یک دلیل جداگانه فتوا داده‌اند، یعنی صد فقیه هر کدام یک دلیلی غیر از دلیل دیگر آوردند و نزد ما تمام این ادله مخدوش باشد، باز هم اینجا به نظر ما کاشفیت از بین نمی‌رود؛ می‌گوییم صد قول داریم، هرچند هر کدام فی نفسه به خاطر ضعف مستندش ضعیف است، اما مجموعش برای ما کاشفیت از قول معصوم(ع) می‌آورد؛ همانطور که در خبر متواتر می‌گویید: هر خبری فی نفسه محتمل صدق و کذب است، اما وقتی به عدد تواتر رسید، برای شما یقینی است. حالا، آقایان شما خودتان این مطلب را دنبال کنید، ببینید به چه نتیجه‌ای می‌رسید. به هر حال، به نظر ما این بیان دوّم اجماع اشکالی ندارد و تمام است.

اشکال دوم در کلمات مرحوم آخوند است. مرحوم آخوند می‌فرمایند: مجمعین هر کدام که آمدند گفتند خبر واحد حجیت دارد، هر کدام یک خصوصیتی را لحاظ کردند که دیگری آن را لحاظ نکرده و یک خصوصیت دیگری را لحاظ کرده است. یکی گفته ثقه، یکی گفته عادل، و یکی گفته امامی، و یکی دوتای از این خصوصیت را گفته است. و با وجود اختلاف در خصوصیات، مجالی برای قطع به قول معصوم(ع) نیست. معلوم نمی‌شود که امام معصوم(ع) کدام از این‌ها را حجّت می‌داند. بعد می‌فرمایند **اللّهم إلاّ أن یدّعی تواطئها علی الحجّیة فی الجملة** مگر آن که بگوییم بالاخره ما می‌خواهیم از اقوال فقها، حجیت اجمالی، حجیت فی الجمله را در مقابل مخالفین خبر واحد در بیاوریم. اما باز می‌فرمایند اثبات این هم مشکل است؛ لکن **دون إثباته خرط القتاد**

اثباتش بسیار مشکل است. این اشکال دوم مرحوم آخوند هم قابل جواب است. چطور **دون اثباته خرط القتاد** است؟ خود مرحوم آخوند و دیگران قبلا تواتر اجمالی در روایات باب را قبول کردند؛ بعد از تواتر اجمالی گفت اخص مضمون را ما می‌گیریم. حالا در اینجا هم ما می‌گوییم یکی گفته خبر ثقه، یکی گفته خبر عادل، یکی گفته خبر امامی، ما هم می‌گوییم اجمالاً **خبر الواحد حجة**، مسلم است. پس این که مرحوم آخوند در اینجا فرموده **دون اثباته خرط القتاد** برای ما روشن نشد که به چه دلیلی است؟ شما به کفایهمراجعه بفرمایید آیا محشین در اینجا اشکالی به مرحوم آخوند دارند یا ندارند. مقداری از بحث اجماع مانده است که ان شاء الله روز چهارشنبه عرض می‌کنیم. وصلّی الله علی سیّدنا محمّد وآله الطاهرین.